



الکترونیک KHAMENEI.IR	بسیجی
	
پیشنهادی برای مطالعه سیره اهل بیت(ع)	تصویر نامه‌ی تاریخی رهبر انقلاب برای آزادی سوسیگرد
	
گزیده‌ای از فتاوای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره عزاداری	قسمت چهارم مجموعه صوتی بعثت خون

## آخرین‌ها

- بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور
- بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری کنگره ی بین المللی ابن شهرآشوب ساروی مازندانی
- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان
- بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه»
- بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان
- بیانات در دیدار راوی، نویسنده و برخی از دست‌اندرکاران کتاب لشکرخویان
- بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران
- بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- بیانات در دیدار کارگزاران حج
- بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری

اسلامی در هر مرحله‌ای یکی از این اهداف را دنبال میکند، برای پیشرفت، برای رسیدن به نقطه‌ی تعالی و اوج، برای ایجاد تمدّ عظیم اسلامی؛ باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد. البته مرحله‌گذاری است، قطعه قطعه است. راهنمایان و هادیان و متفکران و مسئولان مربوط، این قطعات را معین میکنند، هدفگذاری میکنند، حرکت جمعی آغاز میشود، همه باید تلاش کنند که هر حرکتی در هر مرحله‌ای به اهداف خودش برسد. این آن نظام صحیح حرکت منطقی [است]. این را همه‌ی فقّالان عرصه‌ی سیاست و مدیریت کلان کشور باید همواره به یاد داشته باشند؛ آحاد مردم، شما عزیزان بسیجی - فقّالان عرصه‌ی بسیج - هم باید این را همواره به یاد داشته باشید.

خب، اینکه ما می‌گوییم می‌خواهیم حرکت کنیم، پیش برویم، آیا به معنای جنگ‌طلبی نظام اسلامی است؟ آیا به معنای این است که نظام اسلامی قصد دارد با همه‌ی ملتّها، با همه‌ی کشورهای عالم چالش داشته باشد؟ که گاهی شنیده میشود دشمنان ملت ایران، از جمله از دهان نجس نجس سگ‌ها منطقه در رژیم صهیونیستی، چانه می‌چینانند که ایران تهدید همه‌ی جهان است؛ نه، این سخن دشمن و درست نقطه‌ی مقابل ممنشای اسلامی است. تهدید همه‌ی جهان، آن نیروهای شرّ و شرّآفرینی هستند که جز شرارت از خودشان نشان نداده‌اند؛ از جمله همین رژیم جعلی اسرائیل و بعضی از پشتیبانان او. نظام اسلامی درسی که از قرآن گرفته است، درسی که از پیامبر اسلام گرفته است، درسی که از امیرالمؤمنین گرفته است، درس دیگری است: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَنِ**؛ (۹) عدالت، احسان، نیکی کردن. امیرالمؤمنین فرمود به همه نیکی کنید، چون **«إِنَّمَا أَحَقَّ لَكَ فِي دِينِكَ أَوْ شِبْهَ لَكَ فِي خَلْقِكَ»**، (۱۰) یا برادر اسلامی تو است، یا به هر حال انسان است؛ منطق اسلام این است. ما می‌خواهیم به همه‌ی انسانها خدمت کنیم، محبّت کنیم؛ ما می‌خواهیم با همه‌ی انسانها، با همه‌ی ملتّها، روابط دوستانه و محبّت‌آمیز داشته باشیم؛ ما حتّی با ملت آمریکا هم - با اینکه دولت آمریکا دولت مستکبر و دشمن، بدخواه و کینه‌ورز نسبت به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است - هیچ دشمنی نداریم؛ آنها هم مثل بقیّه‌ی ملتّهایند. آنچه نقطه‌ی مقابل نظام اسلامی است، استکبار است. جهت‌گیری خصومت‌های نظام اسلامی، با نظام استکبار است؛ ما با استکبار مخالفیم، ما با استکبار مبارزه می‌کنیم. استکبار يك واژه‌ی قرآنی است که در قرآن درباره‌ی امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حقّ و حقیقت به‌کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوانبندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روشها در هر زمانی تفاوت میکند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا است. استکبار را باید بشناسیم، خصوصیات استکبار را باید بدانیم، عملکرد و جهت‌گیری استکبار را باید بدانیم تا بتوانیم خردمندانه رفتار خودمان را در مقابل او تنظیم کنیم. ما با برخورد غیرخردمندانه در همه‌ی عرصه‌ها مخالفیم؛ ما معتقدیم در همه‌ی عرصه‌ها، در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، در همه‌ی جهت‌گیری‌های جمعی و فردی باید با درایت و حکمت عمل کرد. اگر صحنه را شناسیم، اگر دوست را شناسیم، دشمن را شناسیم، اگر امروز نظام سلطه را شناسیم، استکبار را شناسیم، چطور میتوانیم با حکمت و درایت حرکت کنیم؟ چطور میتوانیم درست برنامه‌ریزی کنیم؟ لذا باید بشناسیم.

آنچه من در مورد استکبار عرض میکنم، چند نمونه یا چند شاخص از رفتارهای نظام استکباری امروز دنیا است و در بسیاری از موارد، با آنچه که در قرون گذشته و دورانهای گذشته استکبار داشته، شریک است. یکی از ویژگی‌های نظام استکباری، خودبرتربینی است. مجموعه‌های استکباری - آن کسانی که یا در رأس يك کشور یا در رأس يك نظام بین‌المللی [یا] مجموعه‌ای از کشورها کارها را به دست گرفته‌اند - وقتی مجموعه‌ی خودشان را از بقیّه‌ی انسانها، از بقیّه‌ی مجموعه‌ها برتر دانستند، وقتی خودشان را محور دانستند، همه چیز را فرع بر خودشان دانستند، يك معادله‌ی غلط و خطرناکی در تعاملات جهانی به‌وجود می‌آید. وقتی خود را برتر دانست، خود را محور دانست، خود را اصل دانست، نتیجه این میشود که برای خود حقّ مداخله‌ی در امور بقیّه‌ی انسانها و بقیّه‌ی ملتّها را قائل است. آنچه به نظر او ارزش محسوب میشود، بایست همه در دنیا تسلیم بشوند و قبول بکنند، گردن بنهند. اگر چیزی که او ارزش میداند، دیگران قبول نداشتند، این به خودش حق میدهد در کار آنها دخالت کند، به آنها تحمیل کند، به آنها زور بگوید، فشار بیاورد. این خودبرتربینی موجب میشود که ادّعای تولیت امور ملتّها را داشته باشند، ادّعای مدیریت جهانی را داشته باشند، خودشان را رئیس مجموعه‌ی عالم بدانند. میشنوید در حرفهای مسئولان و دولتمردان آمریکایی [که] از دولت آمریکا جوری حرف میزنند، مثل اینکه صاحب‌اختیار همه‌ی کشورها است؛ [میگویند] ما نمیتوانیم بگذاریم این کار انجام بگیرد، ما نمیتوانیم بگذاریم این شخص باشد یا نباشد! درباره‌ی منطقه‌ی ما جوری حرف میزنند که کاتّه مالک این منطقه‌اند؛ درباره‌ی رژیم صهیونیستی جوری حرف میزنند که گویا ملتّهای این منطقه ناگزیرند که این رژیم تحمیلی و جعلی را بپذیرند؛ با ملتّهای مستقل، با دولت‌های مستقل جوری برخورد میکنند که گویی آنها حقّ حیات ندارند. این خودبرتربینی، خود را دارای جایگاه ویژه‌ای در مجموعه‌ی اولاد آدم، مجموعه‌ی ملتّها، مجموعه‌ی انسانها دانستن، این اُسّاس و بزرگ‌ترین مشکل استکبار است.

نتیجه این میشود که خصوصیت و شاخص دیگری برای استکبار به دست می‌آید و آن حق‌ناپذیری است؛ نه حرف حق را میپذیرند، نه حقّ ملتّها را میپذیرند؛ حق‌ناپذیر مطلق. در مباحثات جهانی بسیار اتفاق می‌افتد يك حرف حقّی زده میشود، آمریکا به دلیلی نمیپذیرد؛ با انواع شیوه‌ها حرف حق را رد میکنند، زیر بار حق نمیروند. حالا يك نمونه‌اش مسائل امروز ما است که مربوط به فقّالیتهای هسته‌ای و صنایع هسته‌ای است؛ حرف حقّی وجود دارد؛ اگر چنانچه انسانی اهل حق باشد، اهل استدلال باشد، اهل منطق باشد، باید وقتی در مقابل استدلال قرار گرفت، تسلیم بشود، امّا استکبار تسلیم نمیشود؛ حرف حق را میشنود، زیر بار حق نمی‌رود؛ این یکی از خصوصیات او است. همچنان که حقوق ملتّها را هم قبول نمیکند؛ اینکه ملتّها حق دارند انتخاب کنند، حق دارند آن حرکتی را که خودشان میخواهند، آن اقتصادی را که خودشان میخواهند، آن سیاستی را که خودشان میخواهند اتّخاذ کنند، این را برای ملتّها قائل نیستند، معتقد به تحمیل بر ملتّها هستند.

یکی از شاخصهای دیگر استعمار و استکبار این است که جنایت را نسبت به ملتّها و نسبت به آحاد بشر مجاز میشمرند و اهمّیت نمیدهند. این یکی از بلاای بزرگ استکبار در دوران جدید است؛ دوران جدید یعنی دوران پیشرفت علم، پدید آمدن سلاحهای خطرناک، که این سلاحها هم [از وقتی به] دست مستکبرین رسید، بلا‌ی جان ملتّهای عالم شد؛ برای جان انسانها - هر انسانی که با آنها همراه نباشد، تسلیم آنها نباشد، تابع آنها نباشد - هیچ ارزشی قائل نیستند؛ مثالها، الی‌ماشاءالله [وجود دارد]. يك مثال، برخورد مستکبرین با بومیان آمریکا است؛ همین کشوری که امروز منابع مالی آن، امکانات آن، موقعیت جغرافیایی آن، همه‌چیز آن در اختیار غیربومیان آن منطقه است. خب اینجا مردم بومی‌ای وجود داشتند؛ برخورد با آنها به قدری خشن، به قدری مشمئزکننده است که یکی از نقاط تاریک تاریخ آمریکای جدید است؛ خودشان درباره‌ی آن، چیزها نوشته‌اند؛ کشتارهایی که کردند، فشارهایی که آوردند، عین همین قضیه به‌وسیله‌ی انگلیسی‌ها در استرالیا اتّفاق افتاد. انگلیسی‌ها در استرالیا مردم بومی را مثل حیوانات، مثل کانگورو به‌عنوان تفریح شکار میکردند؛ آنها برای جان انسانها هیچ ارزشی قائل نبودند. این يك نمونه است؛ [ البته] صدها مثال دارد که در کتابهای خودشان، در نواریخ خودشان اینها آمده است. يك نمونه‌ی [دیگر] بمباران سال ۱۹۴۵ میلادی - یعنی سال ۱۳۲۴ شمسی - است که دو شهر ژاپن را آمریکایی‌ها با بمب اتمی نابود کردند؛ صدها هزار آدم کشته شدند، چندین برابر اینها در طول زمان تا امروز بر اثر اشعه‌ی اتمی‌ای که وجود داشته، معیوب و ناقص‌الخلقه و دچار بیماریهای گوناگون شدند که تا امروز مشکلات آن باقی است؛ هیچ استدلال درستی هم برای این کار نداشتند، که من حالا بعد اشاره خواهم کرد؛ راحت بمب اتم انداختند. در دنیا تا حالا دویار بمب اتم استعمال شده است، هر دویار هم به‌وسیله‌ی آمریکایی‌ها که امروز خودشان را متولّی مسئله‌ی اتمی در دنیا میدانند؛ دلشان هم میخواهد که این قضیه فراموش بشود [آری] فراموش‌شدنی نیست. این‌همه جان انسانها از بین رفت، برایشان ارزشی نداشت. جان انسانها بی‌ارزش میشود؛ جنایت برای دستگاه‌های استکباری آسان میشود. در ویتنام، آدم کشی کردند؛ در عراق دستگاه‌های امنیتی و شرکت‌های مزدور امنیتی آنها مثل بلك واتر - که من آن سال اشاره کردم - (۱۱) جنایت کردند؛ در پاکستان با هواپیماهای بدون سرنشین هنوز دارند جنایت میکنند؛ در افغانستان بمباران میکنند و جنایت میکنند؛ هر جایی که دستشان برسد و منافعشان اقتضا کند، ایجاب کند، از جنایت اِیا ندارند؛ جنایت با قتل، جنایت با شکنجه؛ زندان گوانتانامو که مال آمریکایی‌ها است، هنوز زندانی دارد. الان ده

بازده سال است در این زندان يك عده‌ای را که به اتهام از جاهای مختلف دنیا گرفتند و بردند آنجا، بدون محاکمه [و] با شرایط بسیار سخت و همراه با شکنجه نگه داشتند! در عراق، زندان ابوغرب یکی از زندانهای آمریکایی‌ها بود، سگ به جان زندانی می‌انداختند و او را شکنجه میکردند.

عارت منابع حیاتی ملت‌ها برایشان آسان است. ربودن و اسیر کردن سپاهان، یکی از ماجراهای گریه‌آور تاریخ [است] که نظام سلطه‌ی آمریکا و امثال آن دوست ندارند این داستان احیا بشود، [که يك نمونه‌اش] همین مسئله‌ی غلام و کنیز گرفتن مردم آفریقا است؛ کشتی‌ها را از اقیانوس اطلس می‌آوردند، در سواحل کشورهای غرب آفریقا مثل گامبیا و امثال اینها نگه میداشتند، بعد میرفتند با تفنگ و سلاحهایی که دست مردم آن روز از این سلاحها خالی بود، صدها و هزارها پیر و جوان و مرد و زن را میگرفتند، با شرایط بسیار سختی با این کشتی‌ها برای بردگی به آمریکا میبردند. انسان آزاد را که در خانه‌ی خودش زندگی میکرد، در شهر خودش زندگی میکرد، به اسارت میگرفتند؛ الان سپاهانی که در آمریکا هستند، از نسل آنهاي‌ند. چند قرن آمریکایی‌ها این فشار عجیب را آوردند که [در این زمینه] کتابها نوشته‌اند که این کتاب "ریشه‌ها"(۱۲) کتاب مغتنمی است برای نشان دادن گوشه‌ای از این فجایع. انسان امروز چطور میتواند اینها را فراموش کند؟ با همه‌ی این حرفها هنوز هم در آمریکا بین سپاه و سفید تبعیض هست.

یکی از خصوصیات استکبار که باز یکی [دیگر] از شاخصها است، فریبگری و رفتار منافقانه است؛ این را توّجه کنید. همین جنایاتی که گفته شد، همه‌ی اینها را در تبلیغات خودشان سعی میکنند توجیه کنند و جنایت را در لباس خدمت نشان بدهند! این نظام استکبار که قصد سلطه‌ی بر ملت‌ها را دارد، از این شیوه به‌طور متعارف و معمول در همه‌ی زندگی‌اش استفاده میکند؛ شیوه‌ی توجیه جنایت و پوشاندن لباس خدمت به جنایت. [در] همین حمله‌ی به ژاپن، یعنی دو بمبی که در هیروشیما و ناگازاکی منفجر شد، [وقتی] آمریکایی‌ها عذرخواهی میکنند، به این صورت میگویند که اگرچه با این دو بمبی که ما به این دو شهر برتاب کردیم، ده‌ها هزار در وهله‌ی اوّل، [با] شاید صدها هزار کشته شدند، [اما این کار] هزینه‌ی تمام کردن جنگ جهانی دوّم بود؛ اگر ما آمریکایی‌ها این بمبها را نمی‌انداختیم، جنگ ادامه پیدا میکرد؛ حالا اگر دویست هزار [انسان] کشته شدند، آنوقت دویلیون کشته میشدند؛ بنابراین ما خدمت کردیم که این بمبها را انداختیم! ببینید این حرفی است که آمریکایی‌ها در تبلیغات رسمی [میگویند]. الان شاید از آن روز ۶۵ سال میگذرد؛ دائماً همین حرف را تکرار کرده‌اند و گفته‌اند. این یکی از آن حرفهای فریبگرانه و منافقانه و از دروغهای عجیب و غریبی است که جز از دستگاه‌های استکباری بر نمی‌آید. این بمبها در تابستان ۱۹۴۵ میلادی بر روی این دو شهر افتاد و منفجر شد و این جنایت اتفاق افتاد؛ در حالی که چهار ماه قبل از آن - یعنی در اوّل بهار ۱۹۴۵ - هیتلر که رکن اصلی جنگ بود خودکشی کرده بود؛ دو روز قبل از او هم موسولینی - رئیس جمهور ایتالیا - که او هم رکن دوّم جنگ بود دستگیر شده بود و جنگ عملاً خاتمه پیدا کرده بود؛ ژاپن هم که پای سوّم جنگ بود، از دو ماه قبل اعلام کرده بود که آماده‌ی تسلیم است؛ جنگی وجود نداشت اما این بمبها منفجر شد. چرا؟ چون این بمبها ساخته شده بود، باید يك جایی آزمایش میشد؛ سلاحی ساخته بودند، باید آن را آزمایش میکردند. کجا آزمایش کنند؟ بهترین فرصت، این بود که به بهانه‌ی جنگ این بمبها را ببرند روی سر مردم بی‌گناه هیروشیما و ناگازاکی بیندازند تا معلوم بشود که آیا درست عمل میکند یا نه! چهره‌ی فریبگرانه.

ادّعا میکنند طرفدار بشرند؛ هواپیمای مسافری ایران را روی آسمان میزنند، قریب سیصد نفر مسافر بی‌خبر را از بین میبرند، نابود میکنند، عذرخواهی هم نمیکنند، به آن کسی که این جنایت را انجام داده، مدال هم میدهند! در همین هفته‌های اخیر شنیدید که آمریکایی‌ها - از رئیس جمهور گرفته تا دیگران - درباره‌ی استعمال سلاح شیمیایی در سوریه جنجال بپا کردند، دولت سوریه را متهم کردند که شیمیایی به کار برده. من کاری ندارم که فضاوت کنم چه کسی به کار برده؛ البته قرائن نشان میداد که گروه‌های تروریستی این را به کار بردند، اما به هر حال آنها گفتند که دولت این را به کار برده؛ جنجال و هایوهوی [کردند] که استعمال سلاح شیمیایی خطّ قرمز ما است! این را ده بار یا بیشتر مسئولین آمریکایی گفتند؛ درست، [اما] همین دولت آمریکا و رژیم ایالات متّحده، در حملات جنایت‌کارانه‌ای که صدام به ایران میکرد و سلاح شیمیایی به کار میرد، نه فقط کوچک‌ترین مخالفتی با آن نکردند، بلکه پانصد تُن ماده‌ی شیمیایی مرگ‌آور و خطرناک قابل تبدیل به گاز خردل را - که هنوز بسیاری از جوانهای عزیز آن روز ما مبتلا [به عوارض آن] هستند و سالها است دارند بیماری میکشند - صدام از آمریکا وارد کرد؛ کمک کردند؛ البته از جاهای دیگر هم خریده بود، اما پانصد تُن ماده‌ی شیمیایی مرگ‌آور قابل تبدیل به گاز خردل را صدام از آمریکا تهیه کرد و به کار برد؛ بعد هم که میخواستند علیه او در شورای امنیت قطعنامه صادر کنند، آمریکا مانع شد. رفتار منافقانه یعنی این: اینجا سلاح شیمیایی میشود خطّ قرمز، آنجا سلاح شیمیایی - چون در مقابل نظام مستقلّ اسلامی است، چون در مقابل ملّتی است که حاضر نیست زیر بار آمریکا برود - میشود يك امر مجاز که باید به آن کمک هم کرد! این بخشی از خصوصیات و شاخصها است؛ البته شاخصهای استکبار بیش از اینها است: جنگ‌افروزی میکنند، اختلاف‌افکنی میکنند، با حکومتهای مستقل درمی‌افتند، با ملّت خودشان حتّی آنوقتی که منافع گروه‌های خاص اقتضا میکند درمی‌افتند، در جنگ صدام با ایران همه‌گونه کمکی که برایشان ممکن بود کردند؛ مثال شیمیایی را گفتم، اطلاعات [هم] میدادند؛ رئیس استخبارات آن روز صدام، بعدها مصاحبه کرد و گفت هفته‌ای سه مرتبه من میرفتم به سفارت آمریکا در بغداد و آنها يك پاکت در بسته‌ای به من میدادند که همه‌ی اطلاعات ماهواره‌ای مربوط به نقل‌وانتقالات نیروهای مسلّح ایران در آن بود و ما میدانستیم کجا هستند. يك چنین کمکهایی میکردند.

نظام اسلامی با استکبار با این خصوصیات طرف است؛ نظام اسلامی با ملت‌ها طرف نیست، با مردم طرف نیست، با انسانها طرف نیست، نظام اسلامی با استکبار طرف است. از زمان ابراهیم خلیل و نوح پیغمبر و پیغمبر بزرگ و پیغمبر اسلام تا امروز هم همین بوده؛ جبهه‌ی حق در مقابل استکبار قرار داشته است. چرا؟ مقابله‌ی امروز نظام اسلامی با استکبار از چه رو است؟ چون استکبار با این خصوصیات که گفتیم، قادر نیست نظام اسلامی‌ای مثل نظام جمهوری اسلامی ایران را تحمّل کند. چون نظام جمهوری اسلامی اساساً در اعتراض به استکبار پدید آمده است؛ انقلاب در اعتراض به استکبار و عوامل استکبار در ایران به‌وجود آمد و بر این اساس تشکیل شد، رشد پیدا کرد، قوی شد، منطق استکبار را به چالش کشید. [استکبار] نمیتواند تحمّل کند، مگر وقتی که مایوس بشود. ملّت ایران، جوانان ایران، قوّالان ایران، کسانی‌که به هر دلیلی ولو به دلیلی غیراسلامی به میهنشان و خاکشان عقیده دارند، باید کاری کنند که این یأس در دشمن به‌وجود بیاید؛ دشمن را باید مایوس کرد. برای دستگاه استکبار و امروز برای دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا بسیار دشوار است که ببیند در این منطقه‌ی حسّاس عالم، در غرب آسیا - [که] یکی از حسّاس‌ترین مناطق دنیا است؛ هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ اقتصادی، حوادث اینجا بر همه‌ی عالم اثرگذار است - يك کشوری، يك نظامی، يك ملّتی سربرآورده است که خود را متّصل و مربوط و تبع به آن قدرت ابرقدرت - که خودش را آید قدرت میداند - نمیداند، مستقل حرکت میکند؛ علیه او این‌همه مخالفت انجام میگیرد، [اما] از همه‌ی این مشکلات و سختی‌ها نظام اسلامی عبور میکند و به اعتراف خود آنها نفوذ آمریکا را در این منطقه به چالش میکشد و نفوذ خودش را گسترش میدهد و به‌عنوان يك نمونه و الگویی برای ملت‌های منطقه درمی‌آید؛ تحمّل این برای آنها خیلی سخت است. آنها میخواهند بگویند حیات ملت‌ها وابسته‌ی به این است که به آمریکا متّکی باشند؛ حالا يك ملّتی پیدا شده [که] نه فقط به آمریکا متّکی نیست، بلکه این‌همه دشمنی آمریکا نتوانسته در او اثر بگذارد؛ هر کار آمریکایی‌ها توانستند از روز اول کرده‌اند، [اما] اثر نکرده است؛ روزه‌روز رشد پیدا کرده و روزه‌روز قوی‌تر شده‌است. دشمنی‌هایی که از اوّل انقلاب، دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا و رؤسای جمهور مختلف - کسی نگوید این کار زمان فلان رئیس جمهور شد، زمان رئیس جمهور کنونی نشده؛ نه، همه‌شان يك‌جورند - با نظام اسلامی انجام داده‌اند، در زمان رؤسای جمهور مختلف است، اما همه يك جنس است، همه يك‌جور است. اوّل قوّمتهای داخل کشور را تحریک کردند، بعد کودتا تدارک دیدند، بعد عراق را وادار کردند به حمله، بعد به دشمن ما - که رژیم صدام بود - کمک کردند در جنگ با ما، بعد تحریم را علّم کردند، بعد همه‌ی وسائل جمعی دنیا را تحریک کردند و به خط کردند برای مقابله‌ی با نظام اسلامی؛ در زمان رؤسای جمهور مختلف این کار انجام گرفته؛ الان هم دارد انجام میگیرد. در همین زمان رئیس جمهور کنونی آمریکا، در فتنه‌ی ۸۸ یکی از این شبکه‌های اجتماعی - که ميتوانست عامل فتنه و فتنه‌گران قرار بگیرد - احتیاج به تعمیر داشت؛ دولت آمریکا از او خواست تعمیراتش را عقب بیندازد؛ امیدوار بودند که بتوانند با



این کارهای رسانه‌ای و شبکه‌ی فیس‌بوک و توئیتر و امثال اینها، نظام جمهوری اسلامی را براندازند؛ خیالهای احمقانه‌ی خام! لذا نگذاشتند تعمیراتش را در آن برهه انجام بدهد، گفتند تأخیر بینداز، فعلاً پُرس به این کار واجب‌تر. همه‌ی وسائل و ابزارها را به خط کردند در مقابل نظام جمهوری اسلامی. تحریم هم یکی از همینها است؛ تحریم یکی از این ابزارها است؛ این ابزار از نظر آنها برای شکست نظام جمهوری اسلامی است. اشتباه آنها این است که ملت ایران را نشناختند، اشتباه آنها این است که عامل ایمان و همبستگی در میان ملت ما را نشناختند، اشتباه آنها این است که از خطاهای گذشته‌شان درس نگرفتند، لذا امیدوارند بتوانند با تحریم و فشار و امثال اینها، این ملت را به زانو دریاورند؛ البته [اشتباه میکنند]. آنچه برای نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان يك تجربه‌ی دائمی در طول این ۳۵ سال وجود دارد، این است که تنها عامل برطرف کردن مزاحمت دشمن عبارت است از **اقتدار ملت** و ایستادگی ملت؛ این تنها عاملی است که میتواند دشمن را عقب بزند. البته دشمن، دشمن است؛ از همه‌ی ابزارها استفاده میکند؛ همان‌طور که گفتیم از ابزار تحریم هم استفاده میکند و استفاده کرده است. ما بایستی بدانیم آن راهی که ما را میتواند به مقصود برساند، چیست.

من يك جمله درباره‌ی بسیج عرض بکنم؛ بعد يك نکته هم مختصراً درباره‌ی مسائل جاری سیاست خارجی‌مان بگویم. بسیج - همان‌طور که گفتیم - مایه‌ی عزت کشور و نظام است. چرا؟ چون معنای بسیج حضور متن مردم در عرصه‌های فعالیت‌های اساسی برای ملت و کشور است. هر دولتی و هر کشوری وقتی مردم را داشته باشد، هر جایی که متن مردم حضور پیدا کنند و مردم حرکت بکنند به يك سمتی، پیروزی قطعی است؛ [این] يك چیز مسلم است. آنجایی کشورها ضربه میخورند، شکست میخورند که مردمشان در صحنه نباشند یا وحدت عمل نداشته باشند. آنجایی که مردم در صحنه‌اند و پیوند و اتحاد میان آحاد مردم هست، پیروزی و پیشروی قطعی است. بسیج يك چنین نمونه‌ای است؛ مظهری است از همین حضور مردمی در صحنه و پیوند مردم با یکدیگر؛ به این چشم به بسیج باید نگاه کرد.

بسیج در باب صدق - که در اوّل عرایض عرض کردم - امتحان صداقت را داده است؛ در جنگ تحمیلی، در دفاع مقدّس که روزگار سخت کشور بود، بسیج امتحان داد؛ بعد از دوران دفاع مقدّس و قضایای بعد هم تا امروز بسیج همه‌جا امتحان صداقت خودش را داده است. سازمان بسیج و مجموعه‌ی بسیج نشان داده است که صداقت دارد. البته بسیج به نظر ما محدود در همین تعدادی که در سازمان بسیجند نمیشود؛ خیلی‌ها هستند [که] دل‌هایشان با شما است، شما را تحسین میکنند، به شما احترام میگذارند، قدر شما را میدانند، در داخل سازمان بسیج هم نیستند؛ آنها هم بسیجی‌اند. آن کسانی که ارزشهای شما را قبول دارند، به آن ارزشها احترام میگذارند، به زحمات شما، به خدمات شما، به مجاهدت شما احترام میگذارند، آنها هم از نظر ما بسیجی‌اند. حضور در صحنه یکی از مهم‌ترین کارها است؛ توانایی‌های بسیج، توانایی‌های کارگشا و گره‌گشا است. امروز خوشبختانه در درون مجموعه‌ی بسیج، شخصیت‌های برجسته‌ی علمی، شخصیت‌های هنری، شخصیت‌های اجتماعی، شخصیت‌های سیاسی، فعالیتان اجتماعی، منتقدین در میان مردم کم نیستند؛ بسیج، تا امروز يك مجموعه‌ی انسانی رو به رشد و رو به تعالی بوده است؛ بعد از این هم باید همین باشد.

آنچه بنده توصیه میکنم این است که توانایی‌های مجموعه‌ی بسیج را باید بالا برد؛ الزاماتی وجود دارد؛ الزامات اخلاقی، الزامات رفتاری، الزامات عملی. الزامات اخلاقی، یعنی ما در درون خودمان **اخلاقیات نیکوی اسلامی** را پرورش بدهیم؛ از جمله‌ی این اخلاقیات صبر است، از جمله‌ی این اخلاقیات گذشت است، از جمله‌ی این اخلاقیات حلم و ظرفیت داشتن و جنبه داشتن است، از جمله‌ی این اخلاقیات تواضع است؛ این خصوصیات را در درون خودمان تقویت کنیم. الزامات رفتاری هم این است که همین خلقیات نیکو را در عمل با مردم، در عمل با محیط، در تعامل با جامعه و انسانها به کار ببریم. امام صادق (علیه الصلّاه و السّلام) به اصحابش میفرمود: جوری عمل کنید در بین مردم که هر کس شما را ببیند، بگوید اینها باران امام صادقند، (۱۲) رحمت خدا بر امام صادق، مایه‌ی تحسین برای ما بشوید. رفتار یکایک عزیزان بسیجی، شما جوانها، شما عناصر باک، شما دل‌های پاکیزه و روشن، رفتار یکایک شما با آحاد مردم - که خیلی‌هایشان همان‌طور که گفتیم به معنای واقعی کلمه بسیجی‌اند - باید جوری باشد که بگویند اینها پرورش‌یافتگان نظام اسلامی‌اند؛ مایه‌ی جلب محبت، مایه‌ی جلب احترام برای نظام اسلامی و برای جمهوری اسلامی. این الزامات عملی، الزامات جهادی، الزامات اجتماعی، کارهایی است که بایستی انجام بگیرد؛ یعنی تقویت خصال نیک در خود، برخورد مهربان و خدوم و تحسین برانگیز با محیط، عمل جدّی در همه‌ی جنبه‌ها - هم در جنبه‌ی علم، هم در جنبه‌ی فعالیتها و خدمات مردمی، هم در جنبه‌ی کار، هم در جنبه‌ی سیاست، هم در جنبه‌ی تولید - در هر جا که حضور دارید، کار جدّی و بدون احساس خستگی و با برهیز از تنبلی؛ کار کنیم. این مجموعه‌ی عظیم - که ده‌ها هزار فرمانده‌ی آنها امروز در اینجا جمع هستند - میتواند کشور را به معنای واقعی کلمه، در همه‌ی جهات مثبت حرکت بدهد، مایه‌ی استقرار و ثبات باشد، مایه‌ی آهت نظام باشد که بحمدالله هست، امروز بسیج مایه‌ی آهت نظام است، مایه‌ی افتخار نظام است.

يك نکته هم درباره‌ی مسائل اخیر و این یگومگوهایی که در صحنه‌ی سیاست خارجی و مسائل هسته‌ای و گفتگو و مذاکره و از این حرفها هست، عرض بکنیم. اوّلاً بنده اصرار دارم بر حمایت از مسئولانی که اجرای کار برعهده‌شان است، از همه‌ی دولت‌ها بنده حمایت میکنم، از مسئولان - مسئولان داخلی، مسئولان خارجی - حمایت میکنم و وظیفه‌ی ما است. من خودم مسئول اجرایی بوده‌ام، وسط میدان بوده‌ام، سنگینی کار و سختی کار را با همه‌ی وجود احساس کرده‌ام؛ میدانم که کار اداره‌ی کشور کار سختی است. لذا اینها به کمک احتیاج دارند، من هم کمکشان میکنم، حمایتشان میکنم؛ این يك طرف قضیه است که قطعی است. از آن طرف اصرار دارم بر تثبیت حقوق ملت ایران، از جمله مسئله‌ی حقوق هسته‌ای؛ اصرار داریم بر اینکه از حقوق ملت ایران يك قدم عقب‌نشینی نباید بشود. ما البته در جزئیات این مذاکرات مداخله نمیکنیم؛ يك خطوط قرمزی وجود دارد، يك حدودی وجود دارد، این حدود باید رعایت بشود؛ این را گفتیم به مسئولین و موظّفند که این حدود را رعایت کنند؛ از هارت‌وهورت دشمنان و مخالفان هم واهمه‌ای نداشته باشند و ترسی به خودشان راه ندهند.

همه این را باید بدانند که این تحریمهایی که علیه ملت ایران به کار برده شده، عمدتاً ناشی از کینه‌ورزی استکباری آمریکا است؛ کینه‌ی آمریکایی مثل کینه‌ی شتری [است]. بنا دارند بر اینکه بر ملت ایران فشار بیاورند به امید اینکه شاید بتوانند ملت ایران را تسلیم کنند؛ اشتباه میکنند؛ ملت ایران با فشار، تسلیم هیچ‌کس نخواهد شد. شما این ملت را نشناخته‌اید؛ این [ملت] ملّتی است که به حول و قوّی الهی میتواند فشارها را تحمّل کند و تهدید شما و فشار شما را برای خودش تبدیل کند به فرصت؛ این کار را به توفیق الهی ملت ایران خواهد کرد.

ما در زمینه‌ی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی **نقاط ضعفی** داشته‌ایم؛ این نقاط ضعف موجب شده است که دشمن احساس کند با تحریم و امثال آن میتواند رخنه ایجاد کند؛ این فرصتی است برای ما تا این نقاط ضعفمان را بشناسیم، آنها را برطرف کنیم و ان‌شاءالله برطرف خواهیم کرد. و تحریم هم کارساز نیست برای آمریکا؛ این را هم بدانند و من گمان میکنم خودشان هم میدانند. دلیل اینکه ما میگوییم آنها خودشان میدانند که تحریم کارساز نیست این است که تهدید نظامی را هم چاشنی میکنند. خوب اگر تحریم میتوانست مقصود شما را برآورده کند، دیگر چرا تهدید نظامی میکنند؟ این نشان میدهد که تحریم مقصود آنها را برآورده نمیکند، کارساز نیست؛ مجبورند تهدید نظامی هم بکنند که البته این تهدیدهای نظامی‌شان، عمل بسیار مشمنز کننده و نفرت‌انگیزی است؛ پی‌دربی رئیس جمهورشان، آن یکی‌شان، آن یکی‌شان [تهدید نظامی میکنند]. به‌جای تهدید نظامی این و آن، بروید اقتصاد ویران‌شده‌ی خودتان را ترمیم کنید؛ بروید کاری کنید که دولتتان بازنده روز، شانزده روز تعطیل نشود؛ بروید فرضهائتان را ادا کنید؛ برای سروسامان دادن کار اقتصادی‌تان فکری بکنید.

بدانند - همان‌طور که گفتیم - ملت ایران با همه‌ی ملت‌های دنیا «إِمَّا أَحَقُّ لَكَ فِي دِينِكَ أَوْ شَبِيهَ لَكَ فِي خَلْقِكَ» (۱۴) است، احترام میگذارد؛ اما برخورد ملت ایران با متعرّض، برخورد پشیمان‌کننده‌ای است؛ آنچه‌ان سیلی‌ای به متعرّض خواهد زد که هرگز فراموش نکند. در مقابل رژیم صهیونیستی، در مقابل شبکه‌ی سرمایه‌داری صهیونیستی خودشان را موظّف میدانند که گاهی يك حرفی بهرانند، يك چیزی بگویند که این هم مایه‌ی وهن و ذلّت آنها است. رژیم صهیونیستی در واقع يك رژیمی است که پایه‌های آن بشدّت سست است، رژیم صهیونیستی محکوم به زوال است؛ رژیم صهیونیستی يك رژیم تحمیلی

است، با حرکت زور به‌وجود آمده است، هیچ پدیده‌ای و موجودی که با زور به‌وجود آمده باشد قابل دوام نیست و این هم قابل دوام نیست. دفاع کسانی که به نحوی وام‌دار شبکه‌ی سرمایه‌داری صهیونیستی هستند از این رژیم مفلوک صهیونیستی، مایه‌ی بی‌آبرویی آنها است. بعضی از اروپایی‌ها هم متأسفانه تملّق می‌گویند؛ می‌روند در مقابل این موجوداتی که نام انسان برای آنها حیف است - این سردمداران رژیم صهیونیستی واقعاً مثل وحوش میمانند، اینها را نمیشود انسان نامید - تملّشان را میگویند، خودشان را کوچک میکنند، ملّشان را تحقیر میکنند. در اروپا ملّت فرانسه یک روزی اعتبار سیاسی به دست آورد به‌خاطر اینکه رئیس جمهور آن روز فرانسه، به دلیل اینکه انگلیس وابسته‌ی به آمریکا است، اجازه نداد که انگلیس وارد بازار مشترک اروپا بشود؛ این مایه‌ی اعتبار فرانسه شد. آن روز در دنیا اعتبار دولت فرانسه زیاد شد به‌خاطر اینکه در مقابل آمریکا ایستاد و اجازه نداد انگلیس - که متّصل به آمریکا بود - وارد بازار مشترک اروپا بشود؛ اعتبار یک ملّت این‌جور به‌وجود می‌آید. [اینکه] حالا دولتمردان همان کشور نه فقط در مقابل آمریکا، [بلکه] بروند در مقابل صهیونیست‌های نجس نجس اظهار کوچکی و تواضع بکنند، مایه‌ی سرشکستگی ملّت فرانسه است که البتّه خودشان باید علاج کنند.

یک جمله به شما جوانهای عزیز عرض میکنم. جوانها! بدانید، بدون هیچ‌گونه تردیدی آینده‌ی روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلّق به شما است؛ شما خواهید توانست کشورتان و ملّتتان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه‌ی کامل تمدّن نوین اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید؛ برای اینکه بتوانید این وظائف بزرگ را انجام بدهید، بایستی دین را، تقوا را، عقّت را، پاکیزگی روحی را در میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید. جوان امروز احتیاج دارد به دین، به تقوا، به علم، به نشاط کار، به امانت، به عقّت، به [انجام] خدمات اجتماعی و به ورزش؛ اینها خصوصّیاتی است که جوان امروز به آن احتیاج دارد و شما عزیزان بسیجی من ان‌شاءالله توفیق انجام این کار را داشته باشید.

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد برکات را بر این جمع و بر همه‌ی بسیجیان کشور نازل کن. پروردگارا! ملّت ایران را روزبه‌روز بر قله‌های سرفرازی مسلّط بفرما. پروردگارا! به محمّد و آل محمّد روح مطهّر امام را از ما و از این جمع راضی کن؛ ارواح مطهّر شهدا را از ما راضی و خشنود فرما. پروردگارا! به محمّد و آل محمّد قلب مقدّس ولی‌عصر را از ما راضی و خشنود بفرما؛ در فرج آن بزرگوار تعجیل بفرما؛ ما را از یارانش، از مجاهدان همراهش و از شهیدای در مقابل او قرار بده.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

(۱) لهُوف، ص ۱۴۶؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۰۲

(۲) سوره‌ی منافقون، بخشی از آیه‌ی ۸

(۳) لهُوف، ص ۱۶۰

(۴) سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۷ و بخشی از آیه‌ی ۸

(۵) سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۲ و بخشی از آیه‌ی ۲۴

(۶) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۸

(۷) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۱۵

(۸) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۱۶

(۹) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۹۰.

(۱۰) برگرفته از نامه‌ی ۵۳ نهج‌البلاغه

(۱۱) ۱۳۹۰/۰۴/۰۳

(۱۲) نوشته‌ی آکس هیلی، نویسنده‌ی معاصر آمریکایی

(۱۳) از جمله، الکافی، ج ۲، ۲۲۳

(۱۴) برگرفته از نامه‌ی ۵۳ نهج‌البلاغه

نسخه چاپی 

لطفاً نظر خود را بنویسید:

نام:

نظر شما: \*

پست الکترونیکی:

6000



#### بیانات

گزیده بیانات  
پیام‌ها و نامه‌ها  
نقشه راه  
مروز سریع  
پیشخوان  
ابلاغیه  
جستار  
موضوعی  
قرآن  
حدیث  
نهج‌البلاغه  
خانواده ایرانی

#### اخبار

خبر  
حاشیه دیدارها  
روزنگار  
عضویت در سامانه  
پیامکی

#### خاطرات

خاطرات  
زندگی‌نامه

#### علمی - فقهی

استفتائات  
راهنمای فتاوا  
درس خارج  
شرح حدیث

#### دیگران

پادداشت  
گفتگو  
خاطره  
گزارش  
آرشیو پرونده‌ها  
صفحه ویژه

#### کتاب

تلمیحات و اشارات  
کتابخانه  
انتشارات

#### عکس

تصاویر دیدارها  
تصاویر ویژه  
پوستر/سایز اصلی  
چندرسانه‌ای

#### صوت

صوت کامل بیانات  
صوت گزیده بیانات  
کلیپ صوتی  
نسخه پادکست

#### فیلم

فیلم دیدارها  
گزیده دیدارها  
تماهنگ